

- دشمنان ما میکوشند با مخالفت یا نفوذ روحانیت در اداره امور، اسلام را از بین ببرند و به مقصد خودشان برسند .

(در ملاقات با فضات شرع ، حماران ، ۱۱ -
اسفند ۱۳۶۰)

- همه متصدیان روحانی که هستند الآن در مقامات بالا، از باب اینست که میبینند که نمیتوانند و نخواهند توانست کسان دیگر اداره این کشور را آنطور بکنند که اسلام میخواهد بکند. بدون اینها نمیشود اداره کشور مملکت را ؛ ما جواب خدا را چه بدهیم ؟

(در ملاقات با نمایندگان مجلس و فرماندهان
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، حماران ،
۹ شهریور ۱۳۶۱)

ویک تراژنامه محدود از تاریخ چهار ساله جمهوری
اسلامی :

رئیس جمهوری : حجة الاسلام علی خامنه‌ای - نخست
وزیر شهید : حجة الاسلام جواد باهنر - رئیس مجلس شورای
اسلامی : حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی - وزیر سابق
کشور : آية اله مهدوی کنی - وزیر کنونی کشور :
حجة الاسلام ناطق نوری - وزیر ارشاد : حجة الاسلام خاتمی -
وزیر بهزیستی : حجة الاسلام اژه‌ای - رئیس سابق
دیوان عالی کشور : آية اله بهشتی - رئیس کنونی
دیوان عالی کشور : آية اله موسوی اردبیلی - پیش
از بیست آية اله و حجة الاسلام دیگر در رأس مشاغل
اصلی . باضافه سه چهارم از تمام سفیران جمهوری
اسلامی ، باضافه چهار پنجم اعضای مجلس شورای اسلامی ،
باضافه تمام اعضای مجلس خبرگان ، باضافه گردانندگان
بلند پایه دستگاه قضائی ، باضافه گردانندگان بلند
پایه دستگاه آموزشی ، باضافه طراحان عملیات

محترالسقول جنگی جبهه های کفر و اسلام ، صرفظـــــر
از کارشناسان مجرب معاملات اقتصادی و امور واجبه
و مستحبه و غیر مستحبه ارز و قاچاق و انواع کارگشائی .

x x x

— با فرستادن طبقه فاضله و امنای خود به مجلس
مؤسسان ، قانون اساسی جمهوری اسلامی را به تصویب
برسانند . این وظیفه شرعی است .

(پیام به ملت ایران ، ۱۲ فروردین ۱۳۵۸)

— کسانی که به خیال خودشان روشنفکر هستند
و مجلس مؤسسان میخوانند باید بایستد
دست از کار خودشان بردارند . اینها با اسلام مخالفند
و از اسلام مبترسند .

(در معارفه با نمایندگان مجلس خمرگان ،

قم ، ۲۷ مرداد ۱۳۵۸)

* * *

— جناب آقای رئیس جمهور (بنی صدر) بنمایندگی
از طرف اینجانب به فرماندهی کل قوا منصوب شده اند و هر
کس در هر مقامی شرعاً باید ایشان را تأیید کند .

(پیام نوروزی ، بهشت زهرا ، اول فروردین ۱۳۵۹)

— اسلام حکومت خدمت است . این مردم بودند که دولت را
سوی خود آوردند ، و این مردم بودند که این رئیس جمهور (بنی صدر)
را رئیس جمهور کردند . همین مردم کوچه و بازار را و را از پاریس
آوردند اینجا و رئیس جمهور کردند ، برای اینکه مسلمان است ،
مومن است ، خدمتگزار است .

(در ملاقات با استانداران کشور ، ۱۸ آذر ۱۳۵۹)

- اینها همه خدمتگزار هستند الان ، خدمتگزار اسلام
و مملکت هستند ، از این آقای رئیس جمهور (بنی صدر)
گرفته تا من طلبه ، نباید حب و بغضی در دل شما باشد
که به خلاف واقع حکم کنید و بنویسید . چرا باید ما بواسطه
حب و بغضی که با یک رئیس جمهور داریم کاری کنیم که
دنیا اصولاً به جمهوری اسلامی بدبین بشود ؟

(در ملاقات با نمایندگان مجلس شورای اسلامی
و هیئت دولت بماسبت عید میلاد رسول اکرم
۵ بهمن ۱۳۵۹)

- اینکه بعضی ها با رئیس جمهور (بنی صدر)
مخالفت میکنند ، کارشکنی میکنند ، اینها را اشخاصی
که تعهد به اسلام ندارند تحریک میکنند ، چه از خارج
وجه از داخل ، به جان هم میاندازند آنها را برخلاف
ممالح کشور .

(در ملاقات با کارگران معادن ذوب آهن و
جهاد سازندگی کرمان وزرند ۱۵۰ بهمن ۱۳۵۹)

.....
- این آدم (بنی صدر) از اول ادعای ایمن
را میکردند که ما مسلمان هستیم و برای اسلام و کذا . من
هم از اول فهمیدم که دروغ میگویند . بعد هم گفت ما
مخالف با آمریکا هستیم که این هم معلوم بود دروغش .
و حالا این آدم و آن آدمها به کشورهای ستمگرفته اند
و با اسلام میخواهند مخالفت بکنند .

(در ملاقات با گروهی از افسران و درجه داران
شهرستانی - جماران ، ۳ شهریور ۱۳۶۵)

- اینها (بنی صدر و شرکاء) از اول معلوم شد که
بنای شیطنت داشتند ، این دولتهای بزرگ از اولی که
نقشه استعمار همه جا را کشیدند در هر جایی ما مورینی
دارند . باید خیلی توجه به این معنی داشته باشیم
که اینها از آنها چیزی نباشد در شانها . (در همان جلسه)

- ما باید به هر قیمت شده انقلاب خود را به تمام
ممالک اسلامی و تمام جهان صادر کنیم . انقلاب ما تا بانک
آن در تمام جهان طنین نيفکند باید ادامه یابد .
(پیام مناسبت دومین سالروز انقلاب ،

۲۲ بهمن ۱۳۵۸)

- باید در صدور انقلابان به تمام جهان کوشش
کنیم .

(پیام نوروزی ، بهشت زهرا ، اول فروردین

۱۳۵۹)

- ما میخواهیم انقلابان را به همه ممالک اسلامی
صادر کنیم . اگر این انقلاب صادر شد هر جا این انقلاب
صادر میشود مشکلات حل میشود و این ریشه های فساد از بلاد
مسلمین کنده میشود .

(درکنگره آزادی قدس ، چهاران ، ۱۸ مرداد

۱۳۵۹)

.....

- ما قصد صدور انقلاب اسلامی را نداریم ، اینها
حرف دشمنان ما است . ما دنبال آن هستیم که دنیا
در صلح و آرامش باشد . اسلام از اول هم تشدید بین مؤمنین
در بین مسلمین ، اخوت را سفارش فرموده است ، بلکه
ایجاد فرموده است .

(در ملاقات با مسئولان صدا و سیما ایـرـان ،

۱۶ مرداد ۱۳۶۱)

■ ■ ■

- " اگر برای چند گرم هروشین چندین نفر را بکشند
میگویند قانون است ، این قوانین خلاف انسانی جعل
میشود بنام اینکه میخواهند جلو فساد را بگیرند ، من

نمیگویم هر وقت بفروشند ، لکن محازاتش اقدام نیست
(ولایت فقیه ، صفحه ۱۲) .

- اینها که به فروش هر وقت اقدام میکنند ، این
ها که با قاچاق و فروش مواد مخدر جوانان ما را معتاد
مکنند ، باید اقدام شوند . هیچ ترحمی در مورد آنها
حائز نیست . (۱) (ارسا به ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹)

* * *

- فقیها و محققین ، هیچوقت با اساس سلطنت
مخالفتی نداشتند و حتی از آن پشتیبانها نیز کردند .
(کشف الاسرار ، صفحه ۱۸۶)

- سلطنت از اصل رژیم غلطی بوده است و خداوند
امر فرموده که مردم باید به سلاطین کافر شوند .
(سحرانی در نوفل لوشاتو برای گروهی از
ایرانیان ، ۲۲ آبان ۱۳۵۷)

* * *

- قانون گمرک که گرفتن مالیات قبل از تجارت
و منفعت است به صادرات و واردات کشور زبانهای بسیار
وارد میکنند و با تجارت را سردوست مینماید . پس
قانون گمرک برای کشور لازم نیست که هیچ ، زبانهای
فراوان هم دارند و باید این قانون را هر چه زودتر لغو
کنید . (کشف الاسرار ، صفحه ۲۲۶)

- برای گمرکات مملکت ، از بودجه امسال اضافه
درآمد قابل توجهی به سال گذشته پیش بینی شده
است . (سیدحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی
در مذاکرات طرح بودجه سال ۱۳۶۲)



تلگرام از قم ، پاشیز ۱۳۴۳ :

حضور مبارک اعلیحضرت همامیونی ، طهران ،
بیرا ازاداء تحیت ودعا ، بطوریکه در روزنامه‌ها
منتشر است دولت در انجمنهای ایالتی و ولایتی شرط
اسلام را در رأی دهندگان ومنتخبین ذکر نکرده و به زنها
هم حق رأی داده است و این امر موجب نگرانی علماء
و سایر طبقات مسلمین است . مستدعی است امر فرمائید
این قبیل مطالب را از برنامہ های دولتی و حزبی حذف
نمایند تا موجب دعا گوئی ملت مسلمان شود .
قم ، الداعی روح اله الموسوی الخمینئی

تلگرام بعدی :

حضور مبارک اعلیحضرت همامیونی ، طهران :
تلگراف مبنی بر آنکه اعلیحضرت بپیش از هر کسی
در حفظ شعایر مذهبی کوشا هستند و توفیق اینجانب را در
ترویج مقررات اسلامی و هدایت عوام (!) خواستار شدند
موجب تشکر گردید . البته ملت مسلمان ایران از
اعلیحضرت همین انتظار را دارند و شغل روحانیت
ارشاد و هدایت ملت است . . . مستدعی است دولت را
موظف فرمائید که از قانون اساسی که ضامن اساسی
ملیت و سلطنت است تبعیت کنند .

قم ، روح اله الموسوی الخمینئی

.....
از مواد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران :
اصل ۶ - امور کشور باید با تکیه آراء عمومی
اداره شود از راه انتخابات ، یا از راه همه پرسی .

اصل ۲۵ - همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی (منحصراً حق رأی) با رعایت موازین اسلام برخوردارند .

اصل ۶۲ - مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت است که بطور مستقیم و با رأی مخفی ملت انتخاب میشوند و تکلیف میگردند .

فتوای مقام ولایت فقیه و بنیانگذار جمهوری درباره این قانون اساسی جمهوری اسلامی :

- گمان نمیکنم در دنیا قانون اساسی بهتر از این فرم باشد . در دنیا یک چنین چیزی دیده نشده است . مردم هم به این قانون اساسی ، ۱۶ میلیون نفر تقریباً بکفداری بیشتر رأی دادند .

(پیام به ملت بمناسبت تصویب قانون اساسی)

اساسی جمهوری اسلامی ، ۲ تیر ۱۳۵۸)

گزارش رسمی آخرین رأی گیری عمومی در جمهوری اسلامی در مورد تشکیل مجلس خبرگان (پائیز ۱۳۶۱) :
۱۸،۱۴۰،۸۰۵ نفر رأی دهنده (با بیش از ۸ میلیون رأی دهنده زن !)

و یادآوری حمله‌ای از تلگراف آیه اله العظمی به " حضور مبارک اعلیحضرت همامیونی " : دولت بسنه زنها حق رأی داده است و این امر موجب نگرانی علماء اعلام و سایر طبقات مسلمین است .

x x x

- سنبلان خود را در محکمه عدل و انصاف و سرف و انسانیت محکوم و رسوا کرده اند . ابوبکر و عمر با قرآن مخالفت کردند و احکام خدا را با زبحه فرار دادند و ارباب خود حرام و حلال درست کردند . این عمر بن الخطاب با وه سرائی سود که تا فاسد نمونه کفر و ریدقه است

- آقایان علمای سعه مدینه است رحمت میکشند تا
تفرقه را با اهل سنت کنار بگذارند، و کسانیکه بی‌عمرشان
یکی است و دینشان یکی است همراه و برادر باشند، دسپهای
با یکی که بین شیعه و سنی اختلاف می‌باید آری در شیعه هستند
و نه سنی، ایادی استعمارند، اینها می‌گویند که شیعه‌ها
سنی‌ها را تکفیر می‌کنند و سنی‌ها شیعه‌ها را. (خطاب سعه
نمایندگان جامعه روحانیت سنی، حماران، ۲۰ دی ۱۳۶۰)

x x x

- این وهابی‌ها مشتی نترچرانهای وحشی و عساری
از دانش و تمدن و از رسوایترین ملل جهان هستند که مراسم
دینداری را یکی ترک کرده و جمیع مراسم مذهبی را کنار
گذاشته‌اند. (کشف الاسرار، صفحه ۵).

- اینجانب تمام بدبختیهای مسلمین را در اختلاف
و تفرقه بین آنان میدانم. دستورات پیامبر اسلام
مسلمانان را از هرگونه بدگویی بیکدیگر و تفرقه و اختلاف
بر حذر میدارد. (در پاسخ به نامه پادشاه وهابی
عربستان سعودی، ۱۹ مهر ۱۳۶۰).

x x x

- آقای خمینی بارها جلو خود من اقرار به خطا
کرده‌اند، از جمله ایشان در زمانیکه در اوج مبارزه با
شاه بودیم در دانشگاه و مدرسه، تلگرام به شاه
فرستادند با عنوان "اعلیحضرت همامی ادام الیه بقاءه"
یعنی آقا از خدا طول عمر برای شاه خواستند. آیا
امام حسین هم برای یزید تلگرام و نامه با همین عنوان
رسمی می‌فرستاد؟
(صادق قطب زاده در جلسه دادرسی دادگاه نظامی)

کلمات قصاری از فقیه والی

آیا شما در تمام جهان معاصر
سراع دارید انسانی را که راست بر
از خمینی گفته باشد ؟
(روزنامه کیهان ۵ شهریور ۱۳۶۰)

- وقتی که این حقوق بشر آمدند حسای ما را
دیدند ، رفتند گفتند حسای خوب است ، مطابق با
تمدن است . مطابق با دمکراتیک است . برای اینکسه
منطق منطق اسلامی است .

(قم ، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۸)

- در دنیا هیچ دمکراسی بهتر از این دمکراسی ما
نیست . یک چنین چیزی تا حالا دیده نشده است .

(خطاب به وزیر امور داری و اقتصادی ،

قم ، ۲ تیر ۱۳۵۸)

- ملت ما امروز الگوئی شده است از برای همه
کشورها .

(در ملاقات با خانواده های شهدای نیروی

هوایی ، ۸ دی ۱۳۵۹)

- تمام جهان از ما خواسته اند در جبهه ما با عراق
حاضر شوند و ما را از این غائله نجات دهند ، ولی ما
احتیاجی به آنها نداریم .

(نقل از روزنامه اطلاعات ، ۱۸ دی ۱۳۵۹)

- این صدام که میگوید من مسلمان هستم ، کافر
است . ما با کفار میجنگیم . چطور مسلمان است ؟ این
آدم همانهایی هستند که با سیدالشهدا حرکت کردند و
آنها را به تفنگ بستند (!) .

(پیام به مناسبت تجاوزه عراق به ایران ،

نقل از هفته نامه پردیس ، ۱۹ دی ۱۳۵۹)

- ما میخواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم در خدمت خودملت ما ، نه دانشگاهی که شعارش این باشد که —
میخواهیم ایران متمدن و آباد داشته باشیم و رو به
تمدن بزرگ برویم . این جور دانشگاه ما را وابسته
به خارج میکند . ما با آن دانشگاه از اساس مخالفیم .
ما اساتید دانشگاهی را میخواهیم که روبه غرب و شرق
نایستند . آتاتورک نباشند ، و تقی زاده هم نباشند .
(در ملاقات با اعضای اس‌حمین اسلامی و جهاد
دانشگاهی دانشکده علم و صنعت ، ۵ خرداد
۱۳۶۰)

- انقلاب ایران انقلابی است نظیر آنچه در طول
تاریخ بدست انبیاء صورت گرفت .
(خطاب به خانواده رجائی و باهنر پس از ترور
آنان ، ۱۱ شهریور ۱۳۶۰)

- انحصار طلبی فی نفسه یک امر فاسدی نیست .
پیغمبرها هم همه انحصار طلب بودند . خدای تبارک
و تعالی هم انحصار طلب بود . انحصار این صحیح است .
انحصار طلبی آقای بهشتی و این هفتاد شهید مظلوم هم
خیلی صحیح است .

(در ملاقات با شورای مرکزی حزب جمهوری
اسلامی ایران ، جماران ، ۱۶ شهریور ۱۳۶۰)
- الان ملت ایران آراش را بطور کامل درکشور
ایجاد کرده است .

- توصیه میکنم رفتار خوبی را که با زندانیان
دارید کماکان ادامه بدهید .

(در ملاقات با خانواده‌های رجائی و باهنر ،
جماران ، ۱۱ شهریور ۱۳۶۰)

- در این دو سال آنقدر در مملکت کار شده است که آدم
با وزن میتواند بکند . (جماران ، ۲۷ بهمن ۱۳۶۰)

- همه آنها تیکه میخاوند اسرائیل را برسمت
بشناسند، بترسند از آن روزی که ملت ما وسپاه ما
برای ادب کردن آنها احساس تکلیف کنند.

(در ملاقات با هیئتهای بازرسی نیروهای

انسانی وزارتخانه‌ها، ۱۴ شهریور ۱۳۶۰)

- ما الان هرچه گرفتاری داریم از رژیم گذشته

داریم، رژیم حاضر برای شما گرفتاری بحمدالله

نیاورده، آنها تیکه هم که به خارج میروند، هرچند

میروند وقتیکه برمیگردند میگویند که ملت‌ها همه عاشق

ایرانیند! (در ملاقات با مربیان امور تربیتی،

۲۸ شهریور ۱۳۶۱)

- امروز با توان ما بطوری غرق در نعمت خدا هستیم که

حدی ندارد، و خودشان هم با بدان آن نعمت‌های بزرگ الهی

غافل باشند. (ارسام نوروری سال ۱۳۶۲)

- کسی که تمام توجهش به دانداری است و

نمی‌تواند آدم شود، و کسی هم که توجهش به دانداری است و

هم نمی‌تواند آدم شود. (در ملاقات با نوروری - مسئولان مملکتی،

حصار اول فروردین ۱۳۶۲)

- آنچه در اس چندسال در مملکت ما شده است، ما

قدرت احماء ایران داریم، ملت ما بد از این باسار

دولت تشکر کند.

- اگر اس اسرفدرسیها خواهد بر ما حمله بکنند

ما نمی‌گذاریم اسها طیاره‌ها سان بساده بشوند (!).

چربازهایشان را اس هوا می‌کشم و ارسن می‌بریم، مگر

آنها میتوانند به اسها حمله کنند؟ (تکیه حصار)

(در ملاقات با اعضای کمیته‌های

مرکزی انقلاب اسلامی - حصار اول،

۲۱ فروردین ۱۳۶۲)

— خداوند تعالی عنایات خاصه غیبیه خودش را بر شما
ارزانی فرموده. اگر از وضعی که الآن دارید شکرگزار
نباشید اینجانب خوف آن را دارم که خداوند قهار بر شما
غضب فرماید و خدای نخواستہ ترو خشک را با هم بسوزاند و
راه گریزی هم برایتان نباشد.

(از پیام بمناسبت آغاز پنجمین سال

جمهوری اسلامی، ۱۳ فروردین ۱۳۶۲)

— هی میگویند گرانی است. کمبود است. ما بیائیم
نوامیس خودمان را، جان خودمان را، اسلام خودمان را
بخطر بیندازیم که گوشت گران است و میوه گران است و
مردم ناراضی هستند، و خدای نخواستہ این وحدت کسبه
هست از بین برود و همه نوامیس و همه زحمتهای انبیاء
علیه السلام هم بیاد فنا برود. یک قدر آدم بشوید!

(در دیدار با وزیر کشور و همکاران

او، ۲۱ فروردین ۱۳۶۲)

— دانشگاه و فیضیه باید دست بیدست هم بدهند
و استقلال کشور را حفظ کنند.

(قبل از زوربا مد جمهوری اسلامی

اول اردیبهشت ۱۳۶۲)

— مادر عصری واقع هستیم که شیاطین بر عالم همه
کرده اند و میخواهند که دنیا را به سلطه شیطان بدوانند.
ولی ما باید بخاطر ولی عصر سلام الله علیه کوشش کنیم.
کما اینکه اسلام مادر شد در سرتاسر دنیا، از آن سیاه های
عزیزی که در آمریکا هستند تا افریقا و شوروی. همه
جانور اسلام تابیده است. منظور ما هم در صدورانقلاب
همین بود که خوشختانه تحقق پیدا کرد.

(در دیدار با وزرای کار و امور اجتماعی

و آموزش و پرورش و عده ای از معلمین

و کارگران، حماران، ۴ اردیبهشت ۱۳۶۲)

و کلمات قماری از اتاع فقیه والی

لاف کیشی، کاسه لسی، طبل خوار،

بانک طبلش رفته اطراف دیار!

ای عجب، این قوم گوساله پرست،

بر چسب گاوی چه میمالد دست؟

مولوی

— پیشوا فقیهی است با قلبی مهربان و عطفه سخنانی
بلبغ و فصیح، با قلمی روان و توانا، متوجه به سیر
طبیعی و حرکت تاریخ.

(زندگی‌نامه‌های نابالام خمینی،

تهران ۱۳۵۷، صفحه ۵۹)

— امام قبل از انقلاب، و بعد از انقلاب تغییری
نکرده‌اند. فقط بعد از انقلاب مهربان تر شده‌اند.

(حجة الاسلام سید احمد خمینی، در محله

پیام انقلاب، ۲۲ خرداد ۱۳۶۱)

— حالا امام فرصت کتاب خواندن زیاد ندارند. اما
در نجف شاید در روز صدها صفحه کتابهای علمی و فلسفی
میخواندند. از کتابهایی که از اول تا آخر خواندند شوهر
آهوخانم بود.

(از همان نشریه)

— پس از گذشتن قریب ۱۴ قرن پرتلاطم بر اسلام،
نگرشی به جهان نشان میدهد که دوباره خدا را غریب
کرده‌اند و شرک‌های تازه جهان را فرا گرفته‌است. و چنین
دنیا را پیاپی مبرگونه‌ای دیگر نیاز است که قد علم کند

و بار دیگر اسان افسارگسخته را بد خودخدائیر باز
آرد... و این حسن است که خمینی پیامخیزد و انقلاب
محمدی را تکرار میکند. انقلابی با رهبری پیامرگوشه ،
رهبری با دم مسبحائی و صرا یوب و عصای موسی ، کد خدا
اورا برای ولایت برحمد زمین برگزیده ، رهبری به گونه
پیامبر ، به شوه پیامبر مواحه با تمامی منکسلات
و مصائب پیامبر .

و حسن است که ابوحیل ها و ابولهب ها و ولیدها
و امیه بن خلف های ناخلت بر خود د می لرزند. منافقین
بیتودا و بطاهر مسلم های بهود مسلک منافق یعنی حی بن
اخطب ها ، کعب بن اشرف ها و عبدالله بن ابی ها ، دست
بکار میشوند. تاریخ دوباره تکرار میشود. شورای دار -
الندوه محدددا تشکیل میشود تا طرح خیانت به امام
(خمینی) را بریزد. اصحاب جمل و صفین دوباره کمین
کرده اند تا در غیاب پیغمبر علی تازه راه انسوزوا
بکشانند. ولی این بار باید از تکرارهای ناروای تاریخ
پرهیز کرد. نباید گذاشت که این منافقین ، پیامبر را
آزار دهند. باید کسانی را فرستاد تا کعب بن اشرف ها
را به کام مرگ فروبرند. نباید عبدالله ابی پایگیرد.
(از مقاله انقلاب تطبیقی اسلامی ، نقل از روزنامه
کیهان ، ۱۵ شهریور ۱۳۶۱)

- از عصر حضرت علی تا کنون سابقه نداشته است که
رهبری ارتش اسلام را شخصیتی به صلاحیت امام خمینی به
عهده داشته باشد.

(حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی ، در ملاقات

با فرماندهان ارتش ، ۸ اردیبهشت ۱۳۶۱)

- مقرر امام خمینی از هرجائی که تصور شود بالاتر

است ، کعبه است ، قدس است ، لاهوت است .

(از سخنرانی فخرالدین حجازی نماینده مجلس

شورای اسلامی در اجتماع دانشگاه تهران

۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۱)

- تنها گروهی که در بیروت در برابر اسرائیل

ایستادگی کردند مقلدین امام خمینی حفظهم اله بودند

(از مصاحبه حجة الاسلام محتشمی سفیر جمهوری

اسلامی در سوریه ، با روزنامه اطلاعات ،

۱۳ مرداد ۱۳۶۱)

- امروز در سطح جهان تنها جامعه اسلامی ما ممتاز

به رهبری و سرافراز به وجود امام و رهراست ، آنهم

رهبری که ملاک رهبری او ، با هیچ ملاکی جز ملاک

پیامبران الهی قابل مقایسه نیست .

(حجة الاسلام علی خامنه‌ای ، رئیس جمهوری در

خطبه نماز عید قربان ، ۶ مهر ۱۳۶۱)

- در طول تاریخ تنها پشته‌توانه تشیع و تنها شمشیر

برنده ای که هم چون موسی فرعونیان عصر را وادار به

عجز و لایه بسته نموده است ، اصل اصیل و رکن رکین

ولایت فقیه بوده است . و تنها نیروئی که در تمام طول

زمان تاریخ با مثلث شوم امپریالیسم و صهیونیسم

و کمونیسم (!) پنجه نرم کرده است و چون شیر تر غرنده

ایستاده تنها و تنها در محکم و تسخیر ناپذیر زعامت

و ولایت و قدرت مرجعیت شیعه و همان قله دائم توده‌های

محروم جهان یعنی ولایت فقیه بوده است و این حقیقتی

است که حتی غربیها با وجود ضعف بصر به آن معترفند ، نه

در محدوده ایران بلکه در سرتاسر پهنه گیتی هر نهضتی

بوقوع پیوسته است در طبیعت آن فقیهی مؤردا طمینان

و معتمد یا یک روحانی مسلمان و متعهد بوده است .

(سید ... تاله هاشمی نژاد ، شهید غیر محراب ،

نقل از روزنامه کیهان ، ۴ آبان ۱۳۶۱)

درباره عدالت و مساوات اسلامی

- اعدام مفیدی الارض که در اسلام روی آن حلی تأکید شده ، نه تنهایی نیست ، خلی هم فایده دارد . در روایت داریم که اس کار نفعش و فایده اس زیادتر است از اینکه چهل روز ساریدگی بشود .

(آیه اله آذری قبی دادسان کل انقلاب اسلامی ایران ، نقل از روزنامه اطلاعات ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۸)

- در رأس همه نهادهای انقلابی دادگاههای انقلاب اسلامی ایران است . در این دادگاهها ، تصفیه هزار فامیل اکثراً با دست من انجام گرفته و حساب آنها رسیده شده ، و صادره ها که حالهم بنیاد مستضعفان روی همان صادره ها پایه گذاری شده است ، حالا آقایانی که روشنفکر شده اند با اینها مخالفند ، میخواهند ما را امریکائی و اروپائی بار بیاورند ، لیبرالها و روشنفکرانها از اول نگذاشتند از بدو امر کار به سامان برسد .

(حجة الاسلام صادق خلخالی ، در مصاحبه

با روزنامه اطلاعات ، ۹ آذر ۱۳۵۹)

- دادگاههای انقلاب اسلامی مظلوم واقع شده اند . البته صحیح هم هست که کوتاهی کرده اند و از پیروزی انقلاب به بعد آن اندازه که باید اعدام نکرده اند . ما از بابت این مسامحه کاری از مردم عذر میخواهیم .

(آیه اله محمدی گیلانی حاکم شرع

دادگاههای انقلاب اسلامی مرکز ، در

سخنرانی رادیویی ۲۶ آذر ۱۳۵۹)

- اگر ما با غذا انقلاب مماشات میکنیم این نه دلیل
ضعف ما است . اگر ما مام تنها اشاره ای بفرمایند آنوقت
قاطعتی از دادسرای انقلاب خواهید دید که در تاریخ
نمونه اش نباشد .

(سدا سدا له لاجوردی دادستان انقلاب
تهران در مصاحبه رادیو تلویزیونی
۲۶ آذر ۱۳۵۹)

- مادر حال حاضر در زندان اوین فقط ۱۵۵ نفر
زندانی داریم که ۴۲۵ نفرشان محکوم شده اند و بقیه
هنوز در انتظار تشکیل دادگاهشان بسر میبرند . البته
عده ای هم زیر ۱۸ سال داریم که برای آنها بنده
مخصوص نوجوانان درست کرده ایم .

(محمد گجویی سرپرست زندان اوین ،
در مصاحبه رادیو تلویزیونی ، ۲۶ آذر ۱۳۵۹)

- با هر متهمی که یک مقدار کار عقیدت
کرده ایم توجه شده و بعد خیلی سریع همکار ما شد و کلیه
مطالبی را که با هیچ شکل دیگری امکان نداشت از او
بدست بیاوریم در این رابطه با رغبت در اختیار ما گذاشت
و حتی همکاریهای بسیار شایانی کرده و اسرار دیگر
متهمین را هم برای ما فاش نمود .

- ما هر هفته عده ای از زندانیان را مرخص میکنیم
که به نماز جمعه بروند و در دعای کعبل شرکت کنند . ولی
در این مورد که چرا غذای زندانیان کافی نیست ، علت
این است که آشپز زندان اوین باید تعداد زندانی
را بداند تا برایشان غذا بپزد . ولی یکدفعه می بینیم
که ۵۰ نفر به تعداد زندانیها اضافه میشود ، و طبیعی
است که یک مقدار غذا کم می آید . چون در کنار هم
مسائل اعتقادی ، اسخت به مسئله عدم اسراف معتقدیم .
من خودم در نظام ؟ سینه در زندان بودم و میدیدم که

شاید نصف مقدار غذای زندانیان اسراف مند و آنرا دور مبر بختند. ولی ما بحمداله جلوی این اسراف را در زندان اوین گرفته ایم. با آنها گفته ایم اگر ۱۰ گرم نان دور سیندا زبده فردا نان کمتری برایتان خواهیم آورد. برای جلوگیری از همین اسراف اسب که ماسعی کردیم غذای اضافی نیزیم.

- اما در این مورد که چرا بعضی زندانیها بعد از سه یا چهار ماه هنوز بازجویی نشده اند و بلاتکلیفند، بلسه، برای اینکه ما خودمان را برای اینهمه زندانی آماده نکرده بودیم. بعد از اینکه سیل زندانی ها بطرف زندان سرازیر شد و گاهی به ۶۰ و ۷۰ نفر در روز رسید با همان پرسنلی که از قبل داشتیم به بازرسی آنها ادامه دادیم، و نهایتاً در حال حاضر بعضی از متهمین سه یا چهار ماه از زمان دستگیریشان میگذرد و هنوز تحقیقاتشان تمام نشده است، زیرا در این فاصله محاربین با خدا عملیات تازه ای انجام میدهند و دستگیر میشوند و خیلی سریع باید به وضع آنها رسیدگی بکنیم. امیدواریم در آتیه نزدیک ریشه منافقین را بکنیم و شروع کنیم به رسیدگی کردن به وضع آن کسانی که حدود چند ماه است اینجا زندانی هستند و بلاتکلیف هستند.

(اسداله لاجوردی، دادستان انقلاب اسلامی

مرکز، در مصاحبه با اطلاعات،

۱۳ و ۱۴ مرداد ۱۳۶۱)

- بنده معتقدم اگر همان قواعدی که رسول الله و امیر المؤمنین و خلفای راشدین پیاده کردند پیاده بشود، اساساً زندان زندانی باقی نمیماند و مسئله زندانهای ما حل میشود. وقتی رسول اله با بینات و الایمان قضاوت بکند مجرم دیگر برای چه مفت در زندان بماند و مفت بخورد و بخواهد؟ کیفر او در دستش

کداشته میشود ، یا اعدام میشود یا عقوبت مالی، یا تعزیر . این مسئله هم در اسلام خیلی روشن است . اگر دویاسه بار حد ببیند ، یعنی کتک را بخورد ، بیسار چهارم اعدام میشود . وقتی اینطوری شد ، ایسین را می گویند قوانین ، قوانین قضائی ، قوانین انقلابی ، به آنکه افراد مفتخور توی زندان نقاشی کنند .

(آیه اله محمدی گیلانی ، حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی مرکز ، اطلاعات ۷ مهر ۱۳۶۱)

- در این زندان رشت کلاسهای متعدد برای تدریس دعای کمیل و دعای ندبه و رساله امام عزیز ترتیب داده شده و فی الواقع بعنوان نمونه حتی یک فرد در زندان نیست که حداقل ۱۷ رکعت نماز یومیه را بجای آورده باشد ، و با آگاه شدن از رهنمودهای با محتوای مرجع تقلیدشان ولایت امر امام عزیز ، آنچنان تحولی در آنها ایجاد شده که بنا بفرمایش امام ارحمنند همه آنان حزب الله شده اند .

(حجة الاسلام آریانپور دادیار شرع ناظر

زندان رشت ، کیهان ، ۷ مهر ۱۳۶۱)

- این گروهکها خیال میکردند میتوانند حکومت خدا را کنار بزنند و تقی زاده را روی کار بیاورند . (!) ما بدرشان را در آورديم . تازه خیلی هم گذشت بخرج دادیم . مگر در تهران جقدر اعدام شدند از این گروهکها؟ فقط هزار و اندی . در صورتیکه شما میدانید مادر مقابل بهشتی را از دست دادیم که نور دیده این ملت بسود . من میخواهم این را بنویسد که ما چه انتظاری از کشورهای اروپائی و امریکاکه مشت زده ایم چکانسه آنها را خرد کرده ایم داریم ؟ وانگلستان که خودش

را سردمدار کاروان وحیثیت میدانند و مسئله لواط رایبه آن صورت، پس ما چه انتظاری از آنها داشته باشیم؟ خیر! فرزندان منافق این آب و خاک را تا آنحائی که نتوانستهایم به امر حضرت امام گشته‌ایم و تعداد چشمگیری از آنها را در زندانها داریم.

— فرمان اخیر امام در زمینه قوانین اسلامی، ملک الموت همه قوانین سابق بود، فرمان اخیر امام قبض روح کرد قوانین گذشته را که حالا یک لاشه بیحاشی است که در محاکم قضائی افتاده و دیربازود به گورستان طاغوت فرستاده خواهد شد. با این فرمان، همه ملت این را فهمیدند که دیگر با هیچ چسبی نه لیبرال و نه جامعه حقوقدانان و نه دوستانان حقوق بشر، در این جهت غلطی نمیتوانند بکنند.

پس ملاحظه میکنید که با این فرمان حضرت امام قبض روح شد آن قوانین و فقط لاشه‌های بیجان باقی ماندوبس. (آیه اله محمدی گیلانی حاکم شرع و رئیس دادگاههای انقلاب اسلامی مرکز، اطلاعات

۸ مهر ۱۳۶۱)

— ما در این جا کسانی را در زندان داریم که حدود شش هفت ماه حتی یکسال است در بازداشت بسر میبرند و هنوز نام خودشان رایبه ما نمیگویند. میگویند چهار ضربه شلاق هم به اینها نزنند؟ حتی اگر زیر تعزیر جان هم بدهند کسی ضامن مردن آنها نیست که این عین فتوای حضرت امام است.

اگر فرض کردیم پانصد نفر اینها در زندان بمانند، کجای دنیا خراب میشود؟ این نقصانی در حکومت اسلام نیست. این انقلاب جا داشت که پنج هزار نفر بلا تکلیف غیر از آنها که متهم هستند داخل زندان داشته باشد.

(آیه اله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور،

مصاحبه را دیونیسوس ریونی، ۲۵ آبان ۱۳۶۱)

درباره ایران و هویت ملی آن

ایمان امروز در این ملک، خودس را و فرهنگ
و تاریخ خودس را در وجود ما م محلی مسسبند .
(ماهنامه انقلاب اسلامی، شهریور ۱۳۶۱)

- تاریخ مملکت را عوض کرده اند به تاریخ گمراها!
این خیلی جابیتش با لائرازا این کشتارهایی است که شده
است، تبدیل کرده اند به تاریخ آثر پرستها، سه
همان گمراهی متعددی آدمکش قهار، که صحت از زبان
ایرانسم (!) مسکردند و از شئون ایرانیت .
(سحرایی سرای گروهی از ایرانیبسان
درباریس، ۴ آبان ۱۳۵۷)

- این حسابهایی که پیش مردم مادی مطرح است
که ما ایرانی هستیم و برای ایران چه بایدکنیم،
این حسابها درست نیست، این قضیه ای که شایدصحتش
در همه جاهست که به ملت و ملیت کار داشته باشند این
یک امر بی اساس است در اسلام، بلکه متضاد است با
اسلام . (در ملاقات با خانواده امام موسی صدر،
۶ شهریور ۱۳۵۸)

- ملی گرائی، اساس بدبختی ما است، اینها
نقشه هایی است که مستعمرین کشیده اند. ما جقدر سیلپی
خوردیم از این ملیت، اینها بروندگم شوند. اینها باید
خجل باشند.

(درکنگره آزادی قدس، حسینیه حماران،
۱۸ مرداد ۱۳۵۹)

- آزمائلی که طراحان استعمار و عمال آنها
طرح کرده اند و تبلیغ میکنند قومیت و ملیت است .
(پیام مناسبت آغاز فصل حج،
۲۱ شهریور ۱۳۵۹)

- خیلی باید توجیه داشته باشید که به اسم ایران
و به اسم کنور ایرانی شاطیپی نخواهند شما را منحرف
کنند از اسلام عزیز . هر فساد که هست از ملیت و ملی گرائی
است . بدانید که طرح این مسائل از باب تفرقه است .
(خطاب به افسران نیروی هوایی)

۱۹ بهمن ۱۳۵۹

- کار خلافتی است که مادر ایران تکیه کنیم بر مثلاً
ایرانی بودنمان ، اصلاً بنده چه تعصب دارم به فارس
بودن خودم ؟ حالا یک کسی آمده و میخواهد ملیت را بده
من تحمیل کند . اگر قبول نداشته باشم نمکنم . هر
وقتی که میخواهند مردم را گول بزنند مسئله ملیتی
گرائی را مطرح میکنند .

(حجة الاسلام موسوی خوینی . نماینده)

و معاون وقت مجلس شورای اسلامی .

در مصاحبه اختصاصی با ... کیهان .

۱۳ مرداد ۱۳۶۱

- اصلاً مسئله میهن با مسئله اسلام دو موضوع متضاد
است که با هم جور در نمی آید . " ملی " یعنی چه ؟
بنده بعنوان یک مسلمان چه انگیزه ای دارم که وطن
منهای اسلام را نجات بدهم ؟

(همان حجة الاسلام ، در روزنامه کیهان .

۲۱ مرداد ۱۳۶۱

- در خیانت شما (مهندس بازرگان) همین بس که
نوشته اید : انقلاب " ملی " ایران به ثمر نرسیده ، و
صراحتاً در دو جای نامه خود کلمه " ملی " را بکسار
برده اید . خیانت به تاریخ میکنید . . . در قسمت دیگری
از نامه خود مینویسید فلان شخص فردی میهن پرست
است . خجالت نمیکشید ؟ مردم شعار اسلام را داده اند
و حال که سفره باز شده شما میآئید و اسم ملی و میهن را

روی آن میگذارد؟ این سخن امام امت است که فرموده
مردم ما باید جلوی آنهایی را که دم از ملیت میزنند
بگیرند.

(حقه الاسلام کروی نمازده مجلس شورای

اسلامی و سرپرست سجاد شهید، در خطبه

نماز جمعه، تهران، ۱۶ مهر ۱۳۶۱)

— مسئله اتکا، به نظام ارزشی ایران بیسار ظهور

اسلام، یعنی نکهت بر ساریح همامیشان و ساسان و دوران
سلاطینی که پیش از اسلام در ایران بودند و نظامهایی که آن
مواقع در ایران وجود داشتند در کشور ما سوغاتی بود که
بمنظور اسلام زدائی از فرهنگ صادر شده بود که میباید
از ریشههای ساسانی و ساسانی و عواملی نظیر خون و خاک
و عاصری از این قبیل که در ساسانیسم به آن برخورد
میکنیم.

ساسانیسم اصولاً وجهی از غربزدگی است، سرگزاری
هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۳ و پیراسن ربان فارسی از کلمات
عربی که بر اساس ساسانیسم صورت می گرفت بوطنه های از سوی
عربی ها برای نابودی اسلام بود. این مسئله خیلی هشدار
دهنده است برای تمامی هنرمندان ما و برای تمامی ملت
ما، چرا که میبینیم همان موقعی که در ایران ما توسل به
باستانشناسی، خرابه های تخت جمشید از خاک بیرون کشیده
میشد و تاریخی ساخته میشد تا ملت ما احبارا به آن تاریخ
افتخار کند، در حالیکه آن تاریخ کاملاً بیگانه از اسلام بود،
تاریخ پیش از اسلام و ارزشهای آن هزاران سال بود که مرده
بود و به این ترتیب دوباره احیاء میگشت.

هنرمندان ایرانی از هنرها و ادبیات ایران صحبت
میکردند ولی در تمام مجموعه های کارهایشان یک کلمه ای
از داستان کربلا نبود. نام نشریه هایشان را هم مثلاً
" آرش " می گذاشتند، که از افسانه آرش کمانگیر اقتباس

شده بود، این یک داستان ظاهراً قومی و وطنی است؛ ولی برای ما عجیب است که این کلمه آرش در ذهن نویسندگان و شاعران خوش آهنگ میآمد تا آن ابدارهای که شعرهم درباره او میگویند، ولی کلمه حسین که پشت سرش آن واقعۀ عظیم و آن همه ابرسهای انسانی و الهی در آن منیلور است و افسانۀ آرش در مقابل آن واقعیت تاریخی جز یک افسانۀ رنگ ساخته متکی بر ناسوبالیم و خاک برینی حزی نیست، این کلمه حسین کلمه خوش آهنگی نمیآید.

مرحسین موسوی، بحسب وزیر جمهوری اسلامی،
(ارمقاله هیروبا سوبالیم در مطبوعات جمهوری
اسلامی؛ بعل ارهفته نامه ایران تا موز،
۲۶ سپهرسور و ۲ مه ۱۳۶۱)

زبان پارسی ۱

- شما به محلّ توحید و وحی و مقام ابراهیم و محمد شتافتید و خود را به مواقف کریمه‌ای که محلّ هیبت و ملائکه الله و توقّف انبیاء الله و عباد الله الصالحین بود رسانیدید. بشناسید این مشاعر بزرگ را، و در این مواقف عظیمه پیمان اتحاد و اتفاق در مقابل جنود شرک و شیطنت ببندید و از تفرّق و تنازع پرهیزید. ولاتنازعوا فتقتلوا و تذهب ربکم .

(از بیانیه آیه‌اله خمینی خطاب به

زائران ایرانی مکه ، ۸ آبان ۱۳۵۸)

- به آقای رفسنجانی مکرراً گفته‌ام که شما باید این یکی از مسائل مهم است. حتماً بدانید هدف است مجلس، از اول هم بوده. شما باید آنجا را یک اشخاصی که میخواهند حفاظت آنجا را بکنند. یک اشخاصی باشند که صد در صد بشناسید اینها را. در هر صورت هر قضیه‌ای که انجام بگیرد بِنفع اسلام است. لکن ما هر یک از شما را لازم داریم. هر یک از شما لازم است برای این مملکت. لکن باید مانگزاریم اینطور بشود.

(آیه‌اله خمینی ، در ملاقات با اعضای

شورای مرکزی حزب جمهوری پس از تیرور

بهشتی و یارانش ، چهاران، ۱۷ شهریور

(۱۳۶۵)

۱- در فرهنگ آخوند، سنت دشمنی با ملیت ایرانی، از همان آغاز با سنت بی‌اعتنائی به زبان پارسی و ابداع زبان " دورگه " ای در جای آن همراه بوده است، که نمونه‌هایش را در کلیه کتب و رسالات قدیم و جدید " مکتب روحانیت مبارز " میتوان یافت. بدیهی است این سنت نیز ما ننند ساپرسنن مکتب، در دوران " حکومت‌الله " ادامه یافته است، و نتیجه آن زبان اصیل و شیرینی است که جان‌نشین زبان مبتذل سعدی و حافظ شده است، و چنانکه نمونه رسمی و غیررسمی آنرا در بالا میبینید.